

پس از اعلام نتایج انتخاب رشته کنکور، برخی افراد با انتشار کلیپ‌هایی در فضای مجازی تلاش کردند جو درسی و محیط رقابتی کنکور را تحت تأثیر قرار دهند. در این ویدئوها بخشی از صحبت‌های قدیمی بازنشر شد که در آن مطرح می‌شود: «چرا فردی که پزشک است باید فرزندش هم پزشک شود؟ آیا این عدالت آموزشی‌ست؟»

تقطیع سخنان و قراردادن آنها روی تصاویر رتبه‌های برتر کنکور، نه از نظر اخلاقی قابل قبول است و نه با اصول انسانی هم‌خوانی دارد. ضروری است این موج ساختگی که در فضای مجازی وایرال شده، به درستی مورد واکاوی قرار گیرد تا بدانی‌م با چه جریانی روبه‌رو هستیم.

در کجای دنیا پذیرفته شده است که اگر پدری پزشک باشد، فرزندش حق پزشک شدن نداشته باشد، یا اگر پدری کارگر است، فرزند او محکوم باشد که همچنان کارگر بماند؟ چنین باورهایی نه در شأن داوطلبان است و نه در خور خانواده‌های آنان نیست.

عدالت، وژاهی مقدس و بنیادی در همه جوامع بشری است؛ وژاهی که ریشه در وجدان انسانی دارد و قرن‌ها به‌عنوان آرمان بزرگ ملت‌ها مطرح بوده است. با این حال، متأسفانه در سال‌های اخیر، این مفهوم والا به دست برخی افراد و جریان‌ها به شکاری سطحی و صرفتی تقلیل یافته است؛ شعاری که تنها در بزرگراه‌هایی خاص، همچون ایام انتخاب رشته داوطلبان کنکور، بر زبان‌ها جاری می‌شود.

در کجای است که عدالت آموزشی، که باید به‌مثابه ستون استوار نظام تعلیم و تربیت مطرح شود، تنها در روزهای پرتبوتاب انتخاب رشته یادآوری گردد و همانند پرچمی برافرازی‌م و بر سر داوطلبان کوبیده شود؟ چنین برخوردی نه‌تنها با فلسفه عدالت هم‌خوانی ندارد، بلکه به تضعیف ارزش واقعی آن نیز می‌انجامد.

عدالت آموزشی، اگر قرار است تحقق یابد، باید در تمام سطوح و در طول سال به صورت اصولی و مستمر دنبال شود؛ از کیفیت زیرساخت‌های مدارس گرفته تا فرصت‌های برابر برای داوطلبان در دسترسی به آموزش باکیفیت، عدالت آموزشی باید در همه لایه‌ها دیده شود.

ایسن عدالت زمانی معنا پیدا می‌کند که فرزندان روستایی و شهری، کارگر و کارمند، پزشک و کشاورز، همگی بتوانند در فضایی برابر استعداد‌های خود را شکوفا کنند و مسیر آینده‌شان را به پایه تلاش و شایستگی رقم بزنند.

اما نباید فراموش کرد که مصادیق عدالت آموزشی فقط در روز انتخاب رشته یا در قاب کلیپ‌های فضای مجازی خلاصه نمی‌شود. کافی است به نظام آموزش عالی کشور نگاه کنیم؛ جایی که همچنان شهریه‌های سنگین دانشگاه آزاد و دفعه‌های مزمن دانشجویان غیرانتفاعی بر دوش خانواده‌ها سنگینی می‌کند.

در کنار آن، دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مانند تهران، امیرکبیر یا دانشجویان ساکن کوی دانشگاه نیز هر روز با مشکلات خاص خود دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

می‌کنند. اگر قرار است از عدالت آموزشی سخن بگوییم، این مسائل سهم بزرگ‌تری در تحقق یا نقض آن دارند و نمی‌توان از کنارشان به سادگی گذشت.

ایسن عدالت زمانی معنا پیدا می‌کند که فرزندان روستایی و شهری، کارگر و کارمند، پزشک و کشاورز، همگی بتوانند در فضایی برابر استعداد‌های خود را شکوفا کنند و مسیر آینده‌شان را به پایه تلاش و شایستگی رقم بزنند.

نه کلیپ‌های تقطیع‌شده و موج‌ساز‌های مقطعی در فضای مجازی، و نه جنجال‌های تبلیغاتی، هیچ‌یک نمی‌تواند جایگزین اجرای عدالت واقعی شود. عدالت، مفهومی نیست که در قاب چند تصویر ویدئویی یا بر زبان‌های جناحی خلاصه شود؛ عدالت باید در عمل محقق گردد و نمرایش در زندگی روزمره دانش‌آموزان و دانشجویان خانواده‌های آنان دیده شود. این روزها بار دیگر واژه عدالت آموزشی بر زبان‌ها افتاده است؛ وژاهی مقدس که متأسفانه به دست برخی به ابزاری تبلیغاتی بدل شده است. کافی است نگاهی



اشک تمساح مافیای کنکور به اسم عدالت آموزشی!

حقیقت آن است که عدالت آموزشی نیازمند نگاه بلندمدت و سیاست‌گذاری مستمر است. نمی‌توان با چندین کلیپ احساسی در یک هفته حساس، ادعای عدالت‌خواهی کرد. اگر دفعه‌ها واقعی عدالت آموزشی داریم، به جای موج‌ساز‌های مجازی، پاسخ دهید برای آن دانش‌آموز کزینشن چه کرده‌اید؟ برای آن دختر روی تراکتور چه برنامه‌ا داشتید؟ برای هزاران داوطلبی که حتی توان خرید کتاب تست ندارند چه اندیشیده‌اید؟ عدالت آموزشی باید از شعار به عمل برسد. تا زمانی که عدالت صرفاً در موسم کنکور فریاد زده می‌شود و در بقیه سال به فراموشی سپرده می‌شود، هیچ اعتمادی به دل داوطلبان شکل نخواهد گرفت. آینده این سرزمین به نسل جوان وابسته است؛ نسلی که حق دارد در میدان رقابت علمی، برابر و بی‌دفعه وارد شود. اگر عدالت آموزشی دغدغه‌های شماست، آن را در طول شان نشان دهید، نه‌فقط در روزهای انتخاب رشته!

مافیای کنکور را می‌توان به کارگردانی تشبیه کرد که هر سال در صحنه‌ای تکراری، اما با دکور و بازیگران تازه، نمایشی پرهیاهو به اجرا می‌گذارد. صحنه، همان هفته‌های پرتلاطم انتخاب رشته است؛ زمانی که ذهن کلاس‌های چند میلیونی، از رقابت‌ب زده نمائد. عدالت یعنی وزارت آموزش‌وپرورش و وزارت علوم مسئولیت ایجاد بستتر برابر را برعهده بگیرند، نه اینکه هر ساله میدان را به دست مؤسسات تجاری بسپارند.

عدالت آموزشی در معنای واقعی‌اش چیزی فراتر از این جنجال‌های رسانه‌ای است. عدالت یعنی فرصت برابر برای همه داوطلبان؛ چه فرزند پزشکی که تهران باشند و چه فرزند کارگری در سیستان. عدالت یعنی هیچ داوطلبی به خاطر نداشتن معلم خصوصی یا کلاس‌های چند میلیونی، از رقابت‌ب زده نمائد. عدالت یعنی وزارت آموزش‌وپرورش و وزارت علوم مسئولیت ایجاد بستتر برابر را برعهده بگیرند، نه اینکه هر ساله میدان را به دست مؤسسات تجاری بسپارند.

پس از اعلام نتایج انتخاب رشته کنکور، برخی افراد با انتشار کلیپ‌هایی در فضای مجازی تلاش کردند جو درسی و محیط رقابتی کنکور را تحت تأثیر قرار دهند. در این ویدئوها بخشی از صحبت‌های قدیمی بازنشر شد که در آن مطرح می‌شود: «چرا فردی که پزشک است باید فرزندش هم پزشک شود؟ آیا این عدالت آموزشی‌ست؟»

تقطیع سخنان و قراردادن آنها روی تصاویر رتبه‌های برتر کنکور، نه از نظر اخلاقی قابل قبول است و نه با اصول انسانی هم‌خوانی دارد. ضروری است این موج ساختگی که در فضای مجازی وایرال شده، به درستی مورد واکاوی قرار گیرد تا بدانی‌م با چه جریانی روبه‌رو هستیم.

در کجای دنیا پذیرفته شده است که اگر پدری پزشک باشد، فرزندش حق پزشک شدن نداشته باشد، یا اگر پدری کارگر است، فرزند او محکوم باشد که همچنان کارگر بماند؟ چنین باورهایی نه در شأن داوطلبان است و نه در خور خانواده‌های آنان نیست.

عدالت، وژاهی مقدس و بنیادی در همه جوامع بشری است؛ وژاهی که ریشه در وجدان انسانی دارد و قرن‌ها به‌عنوان آرمان بزرگ ملت‌ها مطرح بوده است. با این حال، متأسفانه در سال‌های اخیر، این مفهوم والا به دست برخی افراد و جریان‌ها به شکاری سطحی و صرفتی تقلیل یافته است؛ شعاری که تنها در بزرگراه‌هایی خاص، همچون ایام انتخاب رشته داوطلبان کنکور، بر زبان‌ها جاری می‌شود.

در کجای است که عدالت آموزشی، که باید به‌مثابه ستون استوار نظام تعلیم و تربیت مطرح شود، تنها در روزهای پرتبوتاب انتخاب رشته یادآوری گردد و همانند پرچمی برافرازی‌م و بر سر داوطلبان کوبیده شود؟ چنین برخوردی نه‌تنها با فلسفه عدالت هم‌خوانی ندارد، بلکه به تضعیف ارزش واقعی آن نیز می‌انجامد.

عدالت آموزشی، اگر قرار است تحقق یابد، باید در تمام سطوح و در طول سال به صورت اصولی و مستمر دنبال شود؛ از کیفیت زیرساخت‌های مدارس گرفته تا فرصت‌های برابر برای داوطلبان در دسترسی به آموزش باکیفیت، عدالت آموزشی باید در همه لایه‌ها دیده شود. این عدالت زمانی معنا پیدا می‌کند که فرزندان روستایی و شهری، کارگر و کارمند، پزشک و کشاورز، همگی بتوانند در فضایی برابر استعداد‌های خود را شکوفا کنند و مسیر آینده‌شان را به پایه تلاش و شایستگی رقم بزنند.

اما نباید فراموش کرد که مصادیق عدالت آموزشی فقط در روز انتخاب رشته یا در قاب کلیپ‌های فضای مجازی خلاصه نمی‌شود. کافی است به نظام آموزش عالی کشور نگاه کنیم؛ جایی که همچنان شهریه‌های سنگین دانشگاه آزاد و دفعه‌های مزمن دانشجویان غیرانتفاعی بر دوش خانواده‌ها سنگینی می‌کند.

در کنار آن، دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مانند تهران، امیرکبیر یا دانشجویان ساکن کوی دانشگاه نیز هر روز با مشکلات خاص خود دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

دانشگاه

Daneshgah@Kayhan.ir

و چه در مناطق محروم سیستان و بلوچستان، عدالت یعنی هیچ دانش آموزی به دلیل فقر مالی از داشتن معلم خوب یا دسترسی به منابع آموزشی محروم نشود. این مفهوم تنها در قاب کلیپ‌ها و تبلیغات مؤسسات کنکوری نمی‌گنجد؛ بلکه نیازمند سیاست‌گذاری بلندمدت، توجه به زیرساخت‌های آموزشی، و سرمایه‌گذاری واقعی دولت در نظام تعلیم و تربیت است.

مافیای کنکور سال‌هاست که با بهره‌برداری از فضای روانی داوطلبان، عدالت آموزشی را به کالایی تبلیغاتی بدل کرده است. آنها به‌خوبی می‌دانند که استرس و اضطراب، بهترین ابزار برای رونق بازارشان است؛ بنابراین با برشر چند جمله و قراردادن آنها بر روی تصاویر رتبه‌های برتر، فضایی می‌سازند که در ظاهر رنگ و بوی عدالت‌خواهی دارد، اما در باطن تنها به تقویت چرخه اقتصادی کلاس‌ها، کتاب‌ها و بسته‌های آموزشی‌شان منجر می‌شود. قربانی اصلی این نمایش‌ها دانش‌آموزانی هستند که در نگرانی مالی و روانی، بیش از هر زمان دیگری احساس ناآبرایی می‌کنند.

عدالت آموزشی، همان‌گونه که در متن یادآوری شد، نباید به ابزار تبلیغاتی تقلیل‌یل یابد. عدالت باید در تمام طول سال و در همه سطوح پیگیری شود؛ از کیفیت آموزش در مدارس ابتدایی گرفته تا امکانات دانشگاه‌های بزرگ و کوچک. نمونه‌های واقعی بی‌عدالتی، نه در کلیپ‌های فضای مجازی، بلکه در مشکلات روزمره دانشجویان و دانش‌آموزان نمایان است؛ از شهریه‌های سنگین دانشگاه آزاد و مؤسسات غیرانتفاعی گرفته تا کمبود امکانات خوابگاهی و آموزشی در دانشگاه‌های دولتی. این عدالت زمانی معنا می‌یابد که فرزندان خانواده‌های مختلف پزشک و کارگر، کارمند و کشاورز-روبوهری می‌شود، چون کسی پدر بی‌بست‌صحنه را بالا نمی‌زند. پشت شعار عدالت آموزشی، چرخ‌دنده‌های یک صنعت پر سود در حال کار است؛ صنعتی که آینده نوجوانان را به کالای صرفتی تبدیل کرده است.

اگر قرار است از عدالت آموزشی حرفی به میان آید، باید پرسید سهم داوطلبی که در کیر درس می‌خواند یا هر روز با تراکتور به مدرسه می‌رود، در این نمایش چیست؟ عدالت واقعی اینجا نیست، نه در کلیپ‌های پر زرق‌ورق تبلیغاتی؛ بحث عدالت آموزشی در کشور ما بر دیگر با انتشار کلیپ‌های تقطیع‌شده و موج‌ساز‌های رسانه‌ای در ایام انتخاب رشته کنکور به موضوع روز تبدیل شده است. اما پرسش اساسی اینجا نیست که آیا عدالت آموزشی مفهومی مقطعی و وابسته به چند روز در سال است یا یک اصل بنیادین که باید همواره در همه سطوح آموزشی مورد توجه قرار گیرد؟

واقعیت این است که عدالت آموزشی زمانی محقق می‌شود که فرصت‌های برابر برای همه داوطلبان و دانش‌آموزان در دسترس باشد؛ چه در تهران زندگی کنند و چه در مناطق محروم سیستان و بلوچستان. عدالت آموزشی باید در تمام طول سال به صورت اصولی و مستمر دنبال شود؛ از کیفیت زیرساخت‌های مدارس گرفته تا فرصت‌های برابر برای داوطلبان در دسترسی به آموزش باکیفیت، عدالت آموزشی باید در همه لایه‌ها دیده شود.

اما نباید فراموش کرد که مصادیق عدالت آموزشی فقط در روز انتخاب رشته یا در قاب کلیپ‌های فضای مجازی خلاصه نمی‌شود. کافی است به نظام آموزش عالی کشور نگاه کنیم؛ جایی که همچنان شهریه‌های سنگین دانشگاه آزاد و دفعه‌های مزمن دانشجویان غیرانتفاعی بر دوش خانواده‌ها سنگینی می‌کند.

در کنار آن، دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مانند تهران، امیرکبیر یا دانشجویان ساکن کوی دانشگاه نیز هر روز با مشکلات خاص خود دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

اما نباید فراموش کرد که مصادیق عدالت آموزشی فقط در روز انتخاب رشته یا در قاب کلیپ‌های فضای مجازی خلاصه نمی‌شود. کافی است به نظام آموزش عالی کشور نگاه کنیم؛ جایی که همچنان شهریه‌های سنگین دانشگاه آزاد و دفعه‌های مزمن دانشجویان غیرانتفاعی بر دوش خانواده‌ها سنگینی می‌کند.

در کنار آن، دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مانند تهران، امیرکبیر یا دانشجویان ساکن کوی دانشگاه نیز هر روز با مشکلات خاص خود دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

پس از اعلام نتایج انتخاب رشته کنکور، برخی افراد با انتشار کلیپ‌هایی در فضای مجازی تلاش کردند جو درسی و محیط رقابتی کنکور را تحت تأثیر قرار دهند. در این ویدئوها بخشی از صحبت‌های قدیمی بازنشر شد که در آن مطرح می‌شود: «چرا فردی که پزشک است باید فرزندش هم پزشک شود؟ آیا این عدالت آموزشی‌ست؟»

تقطیع سخنان و قراردادن آنها روی تصاویر رتبه‌های برتر کنکور، نه از نظر اخلاقی قابل قبول است و نه با اصول انسانی هم‌خوانی دارد. ضروری است این موج ساختگی که در فضای مجازی وایرال شده، به درستی مورد واکاوی قرار گیرد تا بدانی‌م با چه جریانی روبه‌رو هستیم.

در کجای دنیا پذیرفته شده است که اگر پدری پزشک باشد، فرزندش حق پزشک شدن نداشته باشد، یا اگر پدری کارگر است، فرزند او محکوم باشد که همچنان کارگر بماند؟ چنین باورهایی نه در شأن داوطلبان است و نه در خور خانواده‌های آنان نیست.

عدالت، وژاهی مقدس و بنیادی در همه جوامع بشری است؛ وژاهی که ریشه در وجدان انسانی دارد و قرن‌ها به‌عنوان آرمان بزرگ ملت‌ها مطرح بوده است. با این حال، متأسفانه در سال‌های اخیر، این مفهوم والا به دست برخی افراد و جریان‌ها به شکاری سطحی و صرفتی تقلیل یافته است؛ شعاری که تنها در بزرگراه‌هایی خاص، همچون ایام انتخاب رشته داوطلبان کنکور، بر زبان‌ها جاری می‌شود.

صفحه ۸

شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۴

۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ - شماره ۲۳۹۵۱

بیانیه معاونین آموزشی علوم پزشکی در اعتراض به پذیرش یش از ظرفیت

معاونین آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در اعتراض به پذیرش بیش از ظرفیت دانشگاه‌ها و نبود امکانات و بودجه بیانیه‌ای صادر کردند. به نقل از معاونت آموزشی وزارت بهداشت، در متن این بیانیه آمده است: پیرامون مصاحبه و صحبت‌های اخیر معاون آموزشی وزارت بهداشت، معاونین آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، با اتکا به مسئولیت حرفه‌ای و رسالت آموزشی خود، بدین‌وسیله نگرانی عمیق جامعه دانشگاهی را از آثار افزایش بی‌رویه ظرفیت پذیرش در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی اعلام می‌کنیم. تصمیم‌های شتابزده و غیرمسمو با واقعیات میدانی، نه‌تنها به ارتقای شاخص‌های سلامت منجر نمی‌شود، بلکه آموزش پزشکی و نهایت سلامت مردم را در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهد.

۱. مسئله اصلی: «خروجی‌ها» و نه «تعداد ورودی‌ها» تجربه میدانی و شواهد دانشگاهی نشان می‌دهد مشکل اصلی نظام سلامت، کمبود ورودی دانشجو نیست؛ بلکه افزایش نگران‌کننده خروجی‌ها از سیستم سلامت است؛ از جمله:

عدم بازگویی پزشکان فارغ‌التحصیل به علت عدم تأمین منابع مالی، مهاجرت پزشکان و دندان‌پزشکان، عدم استقبال برای جذب اعضای هیئت علمی توانمند در دانشگاه‌ها،

از دست رفتن بهترین نیروهای تربیت‌شده، نتیجه مستقیم بی‌توجهی به ماندگاری، معیشت، امنیت شغلی، کرامت حرفه‌ای، فرصت‌های رشد علمی و محیط کار ایمن و استانداردها است.

حل چرآن منابع انسانی با سیاست‌های نگهداشت و ایجاد انگیزه برای تلاوم خدمت در کشور ممکن است، نه با افزایش کُتی و بی‌برنامه‌ظرفیت؛ که در این راستا هیچ بودجه‌ای از سوی نهادهای مربوطه جهت تأمین زیرساخت اختصاص نیافته است.

۲. تراکم دانشجویان و اخلاص جلد در آموزش دانشگاه‌ها امروز با تراکم شدید دانشجو در کلاس‌های نظری، کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها، بخش‌های بالینی، سلف‌ها و خوابگاه‌ها روبه‌رو هستند، به‌گونه‌ای که دیگر ظرفیتی وجود ندارد.

این تراکم: کیفیت آموزش را به‌سبب کاهش «زمان مؤثر یادگیری فردی» پایین می‌آورد؛ عملاً امکان حضور و غیاب وجود ندارد و پرسش و پاسخ و سنجش دانشجویان به صفر رسیده است؛ نسبت استاد به دانشجو و نسبت دانشجو به تخت آموزشی/بخش بالینی را از استانداردهای قابل‌قبول خارج می‌کند؛ امکان آموزش کنار تخت بیمار (Bedside Teaching) و رعایت شأن بیمار را محدود می‌کند؛

فرصت تمرین مهارت‌های عملی در مراکز مهارت و شبیه‌سازی را کاهش می‌دهد؛ ۶ فرسودگی حرفه‌ای اساتید و افت انگیزه دانشجویان را تشدید می‌کند. به‌صراحت اعلام می‌کنیم دانشگاه‌های علوم پزشکی بیش از این ظرفیت پذیرش ندارند و هر افزایش تحصیلی جدید، به معنای تعمیق اختلال در فرایند آموزشی و تضعیف کفایت حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان خواهد بود. در حالی که مطابق صوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، تا سال ۱۴۰۷ هر سال ۱۶ هزار و ۵۰۰ دانشجو پزشکی و دندانپزشکی وارد دانشگاه‌ها خواهند شد و بعد از آن نیز ممکن است شورای‌عالی انقلاب فرهنگی افزایش ۲۰ درصدی را تصویب کند.

۳. دانشگاه‌ها به تکلیف افزایش ظرفیت عمل کردند؛ اما بودجه و زیرساخت تخصیص نیافت در سال‌های اخیر، دانشگاه‌ها به تکالیف ابلاغی درباره افزایش ظرفیت عمل کرده‌اند و هزینه‌های انسانی و سازمانی قابل توجهی را پذیرفته‌اند؛ با این حال، هیچ بودجه متناسب و پایداری برای توسعه الزامات آموزشی و رفاهی به آن‌ها تخصیص نیافته است.



این وضعیت توجیه‌پذیر نیست و دانشگاه‌ها در شرایط طاقت‌فرسا و غیرقابل تحمل قرار گرفته‌اند و به جرئت می‌توان گفت آینده پزشکی و دندانپزشکی اصلا روشن و بالنده نخواهد بود.

همچنین، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و سایر مدافعان افزایش ظرفیت-که پیگیر این سیاست بوده‌اند- در تأمین اعتبارات و پشتیبانی قانونی و نظارتی لازم برای لایطی زیرساخت‌ها با ظرفیت‌های جدید، به تکلیف ملی خود به‌نجو کافی عمل نکرده‌اند. افزایش ظرفیت بدون پشتوانه و تأمین منابع، صرفاً انتقال بار بحران به کلاس درس، بیمارستان‌ها و آموزش و بهداشت است.

۴. زیرساخت آموزش پزشکی چیست و کجا کمبود داریم؟ زیرساخت آموزش پزشکی مجموعه‌های هم‌افزا از اجزاست که نبود یا کمبود هر کدام، کل نظام را دچار اختلال می‌کند.

۵) زیرساخت‌های آموزشی (تخت آموزشی کافی، تنوع کیس، کلینیک‌های مهارت، اتاق‌های معاینه و آموزش) ۶) اعضای هیئت علمی به تعداد و ترکیب کافی (با فرصت توسعه حرفه‌ای، پژوهش و ارتقای مرتبه)

۷) مراکز مهارت و شبیه‌سازی (مهارت‌های پایه، احیاء، جراحی) پروسجرهای کم‌خطر، ارتباطات بالینی) ۸) تجهیزات آزمایشگاهی و پژوهشی (به‌روز، نگهداشت‌شده، با سرانه مواد و کیت آموزشی کافی) ۹) زیرساخت‌های فناوریانه (سامانه‌های یادگیری الکترونیک، PACS، دسترسی به پایگاه‌های داده و محتوای چندرسانه‌ای)

۱۰) امکانات خوابگاهی و رفاهی (مسکن دانشجویی، تغذیه، سلامت روان، ورزش و نشاط دانشجویی) ۱۱) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار)

۱۲) کیفیت آموزش و فشار مضاعف بر استاد و دانشجو، ۱۳) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار)

۱۴) کیفیت آموزش و فشار مضاعف بر استاد و دانشجو، ۱۵) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۱۶) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۱۷) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۱۸) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۱۹) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۲۰) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار)

۲۱) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۲۲) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۲۳) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۲۴) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۲۵) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۲۶) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۲۷) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۲۸) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۲۹) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۳۰) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار)

۳۱) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۳۲) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۳۳) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۳۴) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۳۵) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۳۶) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۳۷) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۳۸) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۳۹) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار) ۴۰) خدمات پشتیبانی بالینی (پرستاری آموزشی، پرونده‌نویسی استاندارد، اخلاق پزشکی و ایمنی بیمار)